

همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزند پروری والدین

نسرین شکری^۱، مرضیه یوسفی^۲، ایرج صفایی راد^۳، طیبه اکبری^۴، سیده مریم موسوی^۵، *همین نظری^۶

- ۱- کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاداسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
- ۲- کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاداسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
- ۳- کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی و عضو هیئت علمی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان، همدان، ایران.
- ۴- کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاداسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
- ۵- کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علمی کاربردی همدان، همدان، ایران.
- ۶- دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، همدان، ایران.

(نویسنده مسؤول)

پست الکترونیکی: hemn.nazari@outlook.com

نشریه مدیریت ارتقای سلامت، دوره ۵ شماره ۱ زمستان ۱۳۹۴ ۸۲-۷۳

چکیده

مقدمه: امروزه بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان و جوانان به یکی از مهمترین نگرانی های جامعه تبدیل شده و عوامل جمعیت شناسی و شیوه های فرزند پروری بر آن تأثیر گذار است. پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزند پروری والدین در شهر همدان انجام شده است.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است که در دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ انجام شد. تعداد نمونه ۲۲۰ نفر (۱۲۰ پسر و ۱۰۰ دختر) بود که بصورت تصادفی با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها علاوه بر پرسشنامه جمعیت شناسی، از "مقیاس فرزند پروری بامریند" (Baumrind's Parenting Style Scale) و "مقیاس خطر پذیری نوجوانان ایرانی" (Iranian Adolescents Risk-Taking Scale) استفاده شد. روایی ابزارها توسط ۸ نفر از صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی با استفاده از روش های روایی صوری و محتوا مورد بررسی قرار گرفت. پایایی این ابزارها با استفاده از روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار اسپس ۱۷ نسخه ۲۲ انجام شد.

یافته ها: میان رفتارهای پرخطر دانش آموزان به ترتیب با شیوه فرزندپروری مقتدرانه و تحصیلات والدین همبستگی منفی و معناداری وجود داشت ($r = -0.42, p < 0.01$ & $r = 0.48, p < 0.01$). همچنین با استفاده از آزمون آماری t مستقل، تفاوت معنی داری میان دختران و پسران در فراوانی بروز رفتارهای پرخطر وجود داشت ($P < 0.05$). میزان بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان پسر (۳/۳۴) به صورت معناداری بیش از دانش آموزان دختر (۲/۶۸) است. ولی میان طبقه اقتصادی-اجتماعی با بروز رفتارهای پرخطر تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: شیوه های فرزندپروری، تحصیلات والدین و جنسیت در بروز رفتارهای پرخطر مؤثر است. لذا ارائه آموزش های لازم و کافی به والدین جهت به کارگیری شیوه های صحیح تربیتی پیشنهاد می شود.

کلید واژه ها: رفتارهای پرخطر، شیوه های فرزندپروری، دانش آموزان پیش دانشگاهی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۹

مقدمه

نوجوانی دوره تغییرات بزرگ است، تغییرات سریع احساسی، فیزیکی و اجتماعی و همچنین دوره اکتشاف، اتکاء به نفس، کنترل بر خود، توانایی تصمیم گیری مستقلانه و دوره انتخاب است. بدست آوردن خود مختاری، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری در مورد سلامتی، خانواده، شغل و همسالان در این دوره رخ می دهد (۱). این دوره زمانی است که نوجوان نقش ها و مسئولیت های جدید را می پذیرد و مهارت های اجتماعی را برای بر عهده گرفتن آن نقشها فرا می گیرد. لذا اگر الگویی دقیق، روشن و همه جانبه در زمینه رفتار مناسب و درست برای او تعریف و مشخص نشود، او خود به سبک - سنگین کردن رفتارها، آزمایش نقش ها دست می زند و در برخی موارد به نادیده گرفتن قواعد می پردازد که در نهایت با انجام رفتارهای پر خطر همراه می شود.

از این رو دوره نوجوانی و جوانی اغلب دوره خطرپذیری هم معنی شده و فرد به عنوان موجودی خطرپذیر تعریف می شود (۲). Carr Gregg & Grover خطر پذیری را به رفتارهایی اطلاق می کنند که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روانشناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (۳).

نوجوانی مرحله ای از رشد است که احتمال خطر بسیاری برای رفتارهایی از قبیل سوء مصرف مواد، رفتارهای پرخطر جنسی و مشکلات سازگاری وجود دارد. درگیری با اینگونه رفتارهای پرخطر در سنین نوجوانی مشکلات زیادی را به وجود می آورد زیرا منجر به پیامدهای منفی بسیاری در آینده از قبیل سوء مصرف، وابستگی به الکل و حاملگی زودرس می شود (۴). در ارتباط با رفتارهای پرخطر عواملی مهم در محیط نوجوان (مانند سوء مصرف والدین) و هم خود کودک (مانند سرشت) دخیل هستند (۵). مطالعات نشان داده است که اغلب رفتارهای پرخطر از جمله سوء مصرف سیگار، الکل، مواد و رفتارهای جنسی ناایمن در سنین قبل از ۱۸ سالگی آغاز می شود (۶). زارع و همکاران (۷) در بررسی مصرف دخانیات و ارتباط آن با درک عمومی دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان از سلامت خود در شهرستان پاکدشت و دماوند می نویسند که سابقه مصرف دخانیات در ۲۶/۱ درصد پسران و ۲۱/۱ درصد دختران وجود داشت. ۱۳/۳ درصد دانش آموزان دوم راهنمایی و ۱۳/۷ درصد دبیرستانی ها در زمان تکمیل پرسشنامه، دخانیات مصرف می کردند.

ضیاء الدینی و همکاران (۸) در بررسی دانش آموزان کرمانی ۲۶/۵ درصد پسران و ۱۱/۵ درصد دختران سابقه حداقل یکبار مصرف مواد را گزارش نمودند. میزان مصرف الکل را در پسران ۱۶/۲ درصد

و در دختران ۴/۵ درصد و همچنین میزان مصرف هروئین را ۵/۵ درصد گزارش نمودند و ۷۹/۴ درصد از دانش آموزان از راههای انتقال بیماری ایدز آگاهی داشتند و تنها ۶/۸ درصد هیچگونه آگاهی از راه های انتقال این بیماری نداشتند. اغلب نوجوانانی که بزهکاری را گزارش کرده اند دارای پدرانی عصبانی و پرخاشگر، دچار تعارض، مسئولیت ناپذیر، تنبیه کننده، با دستورات و مقررات خشن و مادرانی با ویژگی های بی تفاوتی و طرد کنندگی می باشند.

در پژوهشی که Azevedo و همکاران در کشور پرتغال بر روی دانش آموزان انجام دادند، ۳۱/۸ درصد دانش آموزان تجربه سیگار نداشتند و ۳۹/۵ درصد به صورت آزمایشی سیگار مصرف کرده و ۲۸/۷ درصد سیگاری فعلی بودند. متوسط سن شروع مصرف سیگار در این مطالعه ۱۳ سال و عوامل مؤثر در گرایش به سیگار سن، والدین سیگاری، سطح تحصیلات والدین، افت تحصیلی، مصرف الکل و مواد مخدر، و دوستان سیگاری بود (۱۰).

خانواده اولین و مهمترین نهاد در تاریخ و تمدن انسانی است و جایی است که فرد با شیوه های زندگی جمعی و تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می گردد (۱۱). لذا عدم فراهم شدن شرایط فوق برای فرزندان، منشأ بسیاری لغزش هاست که باعث خلاء عاطفی و احیاناً در آینده باعث بروز مشکلات می شود (۲). پژوهش Lee & Tsang در چین نشان داد که شیوع بیشتر رفتارهای پر خطر مانند خودکشی، سیگاری بودن، تماس جنسی قبل از ۱۳ سالگی و کم تحرکی در دانشجویان با والدین سطح تحصیلات پایین می باشد (۱۲).

یکی از عوامل مهم تأثیرگذاری خانواده بر رفتارهای پرخطر، شیوه های فرزند پروری یا تربیتی والدین است و پیامدهای مهمی در سازگاری اجتماعی نوجوانان بر جا می گذارد (۱۳). همچنان که رحمانی و همکاران دریافتند بالاترین میانگین مشکلات رفتاری نوجوانان مربوط به شیوه تربیتی مسامحه کار و کمترین آن، اقتدارگرا می باشد (۱۴).

در جامعه ایران از حیث مذهبی، قانونی و اجتماعی تأکید ویژه ای بر جایگاه خانواده شده اما در عمل، به دلیل نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی، روشهای عملی و برنامه ریزیهای مؤثری برای تحقق این مهم به کار گرفته نشده است. توجه به نقش و تأثیر خانواده به عنوان مهمترین نهاد در جهت کاهش خطرپذیری نوجوانان، ضروری و قابل تعمق است (۲). در کنار تأثیر شیوه های فرزند پروری والدین، متغیرهای جمعیت شناسی از قبیل سن، جنسیت، مقطع تحصیلی، وضعیت تحصیلی، محل سکونت، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و اقتصادی، ترتیب تولد و تحصیلات پدر و مادر می توانند

به عنوان عوامل مؤثر در بروز انواع رفتارهای پرخطر باشند و هر یک از این متغیرهای جمعیت شناسی می توانند ارتباط معناداری با بروز هر یک از انواع رفتارهای پرخطر داشته باشند (۲۰۱۵، ۱۶). بین مقطع تحصیلی و جنسیت و تحصیلات والدین با رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد (۱۵). مطالعات متعددی جنسیت را به عنوان متغیری واسطه ای در بررسی رفتارها، گرایش ها و خطرپذیری نوجوانان معرفی می کنند (۱۷).

با توجه به اینکه جامعه امروز، نوجوانان و خانواده را با نیازهای فراوانی روبرو می کند و همچنین با گسترش فناوری و تغییرات سریع در جامعه، دانش آموزان درگیر یکسری از رفتارهای پرخطر شده اند. یکی از عمده ترین رویکردهای پیشگیرانه بر شناسایی عوامل خطرزا در جمعیت های پرخطر متمرکز است. بدین معنا که بهترین شیوه پیشگیری از بروز یک مشکل را، متمرکز بر علل پدیدآیی آن و افرادی می دانند که بیشترین ویژگی های خطرزا را دارا هستند (۱۸). پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزند پروری والدین در شهر همدان انجام شده است.

با توجه به اینکه جامعه امروز، نوجوانان و خانواده را با نیازهای فراوانی روبرو می کند و همچنین با گسترش فناوری و تغییرات سریع در جامعه، دانش آموزان درگیر یکسری از رفتارهای پرخطر شده اند. یکی از عمده ترین رویکردهای پیشگیرانه بر شناسایی عوامل خطرزا در جمعیت های پرخطر متمرکز است. بدین معنا که بهترین شیوه پیشگیری از بروز یک مشکل را، متمرکز بر علل پدیدآیی آن و افرادی می دانند که بیشترین ویژگی های خطرزا را دارا هستند (۱۸). پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزند پروری والدین در شهر همدان انجام شده است.

روایی محتوای این ابزار توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی مورد بررسی و تأیید گرفته است (۲۱).

زهراکار (۲۲) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی، ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۶ برای استبدادی و ۰/۷۸ برای اقتدار منطقی به دست آورد. همچنین وی در مورد میزان روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده کرد، که نتایج گزارش شده به این صورت بود: مستبد بودن مادر رابطه معکوسی با آزادگذاری (۰/۳۸-) و اقتدار منطقی (۰/۴۸-) او دارد. مستبد بودن پدر رابطه معکوسی با آزادگذاری (۰/۵۰-) و اقتدار منطقی (۰/۵۲-) او دارد. در ایران نیز توسط سهرابی و حسینی (۲۱) پایایی پرسشنامه با روش بازآزمایی، برای شیوه های سهل گیری ۰/۶۹، برای شیوه های استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوه های قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳ گزارش شده است.

روایی ابزار در این پژوهش توسط ۸ نفر از صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی مورد بررسی قرار گرفت و روایی صوری آن را تأیید کردند. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش بازآزمایی به روی ۲۰ نفر از معلمان به فاصله زمانی ۳ هفته، ۰/۶۸ گزارش گردید و ضرایب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس های اقتدار منطقی ($\alpha=0/79$) استبدادی ($\alpha=0/83$) و سهل گیرانه ($\alpha=0/74$) به دست آمد که ضرایب فوق معرف پایایی بالای ابزار است.

با توجه به اینکه جامعه امروز، نوجوانان و خانواده را با نیازهای فراوانی روبرو می کند و همچنین با گسترش فناوری و تغییرات سریع در جامعه، دانش آموزان درگیر یکسری از رفتارهای پرخطر شده اند. یکی از عمده ترین رویکردهای پیشگیرانه بر شناسایی عوامل خطرزا در جمعیت های پرخطر متمرکز است. بدین معنا که بهترین شیوه پیشگیری از بروز یک مشکل را، متمرکز بر علل پدیدآیی آن و افرادی می دانند که بیشترین ویژگی های خطرزا را دارا هستند (۱۸). پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزند پروری والدین در شهر همدان انجام شده است.

با توجه به اینکه جامعه امروز، نوجوانان و خانواده را با نیازهای فراوانی روبرو می کند و همچنین با گسترش فناوری و تغییرات سریع در جامعه، دانش آموزان درگیر یکسری از رفتارهای پرخطر شده اند. یکی از عمده ترین رویکردهای پیشگیرانه بر شناسایی عوامل خطرزا در جمعیت های پرخطر متمرکز است. بدین معنا که بهترین شیوه پیشگیری از بروز یک مشکل را، متمرکز بر علل پدیدآیی آن و افرادی می دانند که بیشترین ویژگی های خطرزا را دارا هستند (۱۸). پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزند پروری والدین در شهر همدان انجام شده است.

مواد و روش ها

این مطالعه توصیفی - همبستگی در سال ۱۳۹۲ انجام گرفت. تعداد جامعه پژوهش برابر با ۱۶۵۰ نفر بود که کلیه دانش آموزان دختر و پسر پایه پیش دانشگاهی سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بودند که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از ۲ ناحیه شهر همدان به صورت تصادفی، ناحیه ۱ انتخاب شده و سپس از این ناحیه، ۱ دبیرستان پسرانه و ۱ دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان ۳ کلاس پایه پیش دانشگاهی به طور تصادفی انتخاب شدند، که جمعاً ۲۲۰ نفر دانش آموز در حال تحصیل (۱۲۰ نفر دانش آموز پسر و ۱۰۰ نفر دانش آموز دختر)، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. بر آورد تعداد نمونه از طریق جدول تعداد نمونه Kerjcie & Morgan در سال ۱۹۷۰ انجام شد (۱۹).

معیارهای ورود در مطالعه به این صورت بود که دانش آموزان بایستی، فقط دانش آموز دوره پیش دانشگاهی و دوره روزانه باشند و محل سکونت آنها با خانواده هایشان فقط شهر همدان باشد و کسانی که تمایل به شرکت در پژوهش را نداشتند و محصل دوره شبانه (سنین بالا) بودند از مطالعه خارج شدند.

ابزارهای گردآوری داده ها در مطالعه شامل پرسشنامه جمعیت شناختی، "مقیاس فرزند پروری بامریند" (Baumrind's)

آزاد اسلامی واحد همدان و ارائه به آموزش و پرورش، اهداف و روند مطالعه و ضرورت همکاری صادقانه برای همه دانش آموزان توضیح داده شد تا آگاهانه در مطالعه شرکت کنند و در صورت عدم تمایل از مطالعه خارج شدند. پاسخدهی پرسشنامه رفتارهای پرخطر، توسط دانش آموزان و پاسخدهی به پرسشنامه ها انجام شد. برای اطمینان خاطر از پاسخدهی صحیح و کامل به پرسشنامه ها توسط والدین تا حد امکان ملاقات حضوری با آنها صورت گرفت. پژوهشگر درخواست کرد تا والدین با مشارکت هم پرسشنامه ها را تکمیل کنند. ۲۲۰ والد پرسشنامه ها را تکمیل کردند. برای اجرای ملاحظات اخلاقی در پژوهش، کدهای اخلاقی مطرح شده توسط انجمن روانشناسی آمریکا مورد توجه قرار گرفت. یعنی ارائه اطلاعات کافی در مورد ماهیت و چگونگی پژوهش به تمام شرکت کنندگان، کسب رضایت نامه کتبی به منظور شرکت در مطالعه و اطمینان بخشی بابت محرمانه بودن نتایج رعایت شد. داده ها با استفاده از روش های همبستگی گشتاوری پیرسون، همبستگی اسپیرمن و روش آماری آزمون t مستقل تجزیه و با استفاده از نرم افزار اسپس پی اس نسخه ۲۲ انجام شد.

یافته ها

در مطالعه حاضر جمعاً ۲۲۰ نفر دانش آموز دوره پیش دانشگاهی شرکت کردند که شامل هر دو جنس مذکر و مونث بود. بیشترین میزان سن دانش آموزان ۱۹ سال و کمترین میزان سن ۱۶ سال بود. میانگین سنی پسران (۱۷/۷۴) بیشتر از دختران (۱۷/۵۳) بود و میانگین سنی کل آزمودنی ها ۱۷/۶۷ و انحراف استاندارد آن ۰/۴۴ می باشد. بیشترین میزان فراوانی مدرک تحصیلی والدین دیپلم بود که جمعاً ۱۵۹ نفر (پدر یا مادر) مدرک دیپلم را داشتند و کمترین میزان فراوانی سطح تحصیلات برای پدر و مادر، مقطع ارشد و دکتری است که شامل ۹ نفر بود. بیشترین فراوانی رشته تحصیلی مربوط به رشته علوم تجربی (۷۷ نفر - ۳۵/۰ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به رشته ریاضی فیزیک (۶۷ نفر - ۳۰/۴ درصد) است. جهت تعیین طبقه اقتصادی - اجتماعی شاخص های شغل والدین، درآمد ماهیانه، وضعیت مسکن و محل زندگی در نظر گرفته شده است. بیشترین فراوانی مربوط به طبقه اقتصادی - اجتماعی متوسط (نیمه برخوردار) (۴۰/۰ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به طبقه بسیار بالا (کاملاً برخوردار) (۳/۱ درصد) می باشد.

"مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی" دارای ۳۸ سؤال، و بر اساس مقیاس لیکرت نمره گذاری می شود (۲). این مقیاس شامل ۷ خرده مقیاس است که به ترتیب ابعاد: راندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و دوستی با جنس مخالف را می سنجد (۲۳). هر سؤال بر حسب یک مقیاس ۵ درجه ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، متوسط، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص شده است که به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره گذاری شده است و هر بعد از رفتارهای پرخطر بر اساس پاسخ دهی، نمرات جمع می شود که بالا بودن نمره و پایین بودن نمره هر فرد در هر بعد حاکی از گرایش و انجام دادن آن بعد از رفتار پرخطر می باشد.

این مقیاس با کمک ابزارهایی که در حوزه نوجوانان دارای روایی و پایایی هستند از جمله "پرسشنامه مقیاس خطرپذیری نوجوانان" Adolescent Risk-Taking Questionnaire و همکاران (۲۴) و "پرسشنامه سیستم کنترل رفتار پرخطر جوانان" Gullone Youth Risk Behavior Surveillance Questionnaire Brener و همکاران (۲۵) و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و محدودیت های اجتماعی جامعه ایران، با عنوان مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی "Iranian Adolescents Risk-Taking Scale" ساخته شده است.

این مقیاس توسط زاده محمدی و همکاران هنجاریابی شده و میزان آلفای کرونباخ برای راندگی خطرناک ۰/۷۴، سیگار ۰/۹۳، مواد مخدر و روان گردان ۰/۹۰، الکل ۰/۹۰، خشونت ۰/۷۸، دوستی با جنس مخالف ۰/۸۳ و رابطه و رفتار جنسی ۰/۸۷ بدست آمد (۲۶). در مطالعه زاده محمدی و همکاران در سال ۱۳۹۰ روایی ابزار مورد استفاده، توسط ۶ روانشناس و متخصص مسائل جوانان مورد بررسی قرار گرفت (۲۶). روایی ابزار در پژوهش حاضر توسط ۸ نفر صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه حاصل نشان داد که این ابزار دارای روایی محتوایی است. پایایی ابزار در پژوهش حاضر نیز با استفاده از آلفای کرونباخ، ضرایب برای خرده مقیاس های راندگی خطرناک ($\alpha=0/71$)، سیگار کشیدن ($\alpha=0/86$)، مصرف مواد مخدر و روانگردان ($\alpha=0/68$)، مصرف الکل ($\alpha=0/75$)، خشونت ($\alpha=0/70$)، رابطه و رفتار جنسی ($\alpha=0/72$) و گرایش به جنس مخالف ($\alpha=0/61$) به دست آمد. پایایی به روش بازآزمایی بر روی ۲۰ نفر از دانش آموزان پایه سوم دبیرستان به فاصله زمانی ۱ ماه، ۰/۷۲ گزارش گردید.

بعد از گرفتن معرفی نامه و مجوز اجرای پژوهش از دانشگاه

جدول ۱: اطلاعات توصیفی نمونه مورد مطالعه براساس سبک فرزند پروری والدین

سبک فرزند پروری	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
مقتدرانه	۲۲۰	۳/۹۸	۰/۸۰	-۰/۷۵	۰/۹۹	۱/۶۰	۴/۹۰
استبدادی	۲۲۰	۲/۵۶	۰/۷۱	۰/۳۱	-۰/۶۸	۱/۲۰	۴/۲۰
سهل گیرانه	۲۲۰	۲/۲۸	۰/۷۱	۰/۶۹	۰/۱۱	۰/۶۰	۴/۲۰

با توجه به اطلاعات جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد سبک های فرزندپروری والدین به ترتیب مقتدرانه (۳/۹۸، ۰/۸۰)، استبدادی (۲/۵۶، ۰/۷۱) و سهل گیرانه (۲/۲۸، ۰/۷۱) است که نشان می دهد میزان استفاده والدین از سبک مقتدرانه بیش از سبک های استبدادی و سهل گیرانه است.

جدول ۲: همبستگی بین رفتارهای پرخطر دانش آموزان و سبک های فرزندپروری والدین

متغیرها	شاخص	ضریب همبستگی R پیرسون	جهت همبستگی	ضریب تعیین V	سطح معناداری P ارزش
رفتارهای پرخطر- سبک مقتدرانه		-۰/۴۲**	منفی	۰/۱۷۶	۰/۰۰۱
رفتارهای پرخطر- سبک استبدادی		۰/۵۲**	مثبت	۰/۲۷۰	۰/۰۰۱
رفتارهای پرخطر- سبک سهل گیرانه		۰/۴۶**	مثبت	۰/۲۱۲	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۲، بین بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی و شیوه فرزندپروری والدین همبستگی معنی داری وجود دارد که در این رابطه از روش آماری همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج حاصله، وجود همبستگی منفی بین رفتارهای پرخطر دانش آموزان و سبک فرزندپروری مقتدرانه (-۰/۴۲) و همبستگی مثبت بین رفتارهای پرخطر دانش آموزان با سبک های استبدادی (۰/۵۲) و سهل گیرانه (۰/۴۶) والدین تأیید شده است ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۳: همبستگی بین تحصیلات و طبقه اقتصادی- اجتماعی والدین با رفتارهای پرخطر دانش آموزان

متغیر	ضریب همبستگی I اسپیرمن	جهت همبستگی	ضریب تعیین V	سطح معناداری P ارزش
رفتارهای پرخطر- تحصیلات والدین	-۰/۴۸	منفی	۰/۲۳۰	۰/۰۰۱
رفتارهای پرخطر- طبقه اقتصادی اجتماعی	-۰/۰۹	منفی	۰/۰۰۸	۰/۰۸

بر اساس نتایج جدول ۳، بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی با تحصیلات والدین همبستگی معنی داری وجود دارد ($P < ۰/۰۵$)، که از روش آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان داد وجود همبستگی منفی بین رفتارهای پرخطر دانش آموزان با تحصیلات والدین (-۰/۴۸) تأیید شده می باشد. یعنی با افزایش سطح تحصیلات والدین از بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان کاسته می شود. تحصیلات والدین ۰/۲۳ از واریانس رفتارهای پرخطر دانش آموزان را تبیین می کنند. همچنین نتایج نشان داد بین بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی با طبقه اقتصادی- اجتماعی والدین همبستگی معنی داری وجود ندارد که از روش آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شد. یعنی افزایش طبقه اقتصادی- اجتماعی تأثیری بر کاهش بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان نداشت.

جدول ۴: مقایسه میانگین های رفتارهای پرخطر پسران و دختران دانش آموزان مقطع پایه پیش دانشگاهی

متغیر	شاخص ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره	T	Df	سطح معناداری
رفتارهای پرخطر	پسران	۱۲۰	۳/۳۴	۰/۷۴	۱/۳۴	۴/۶۰	۳/۲۶	۲۱۸	۰/۰۲۵
	دختران	۱۰۰	۲/۶۸	۰/۸۶	۱/۳۴	۴/۱۲			
	جمع	۲۲۰	۳/۱۲	۰/۷۸	۱/۳۴	۴/۶۰			

والدين به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و در نهايت افسردگی منجر می شود. نهايتاً در تبیین احتمالی این یافته می توان گفت رابطه گرم بين اعضای خانواده و خصوصاً با فرزندان (ناشی از سبک تربیتی مقتدرانه) امکان جذب آنها را به خانواده بیشتر می کند. بنابراین، والدين نقش بسیار کلیدی و با اهمیتی در بروز و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر فرزندان را به عهده دارند. آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگترین وظایف اجتماعی والدين است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می گذارد.

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که میان بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی با تحصیلات والدين رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا با افزایش سطح تحصیلات والدين از بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان کاسته می شد. این یافته می تواند دلیل بر پایین بودن تحصیلات والدين و مانع از ایجاد یک ارتباط مؤثر و روشن با نوجوان شده که خود این امر می تواند باعث احتمال گرایش و آسیب پذیری در برابر رفتارهای پرخطر شود. یافته های Lee & Tsang (۱۲)، سهرابی و حسنی (۲۱) نیز این یافته ها را در جهت تأثیر، بالا بودن سطح تحصیلات والدين در کاهش رفتارهای پرخطر در نوجوانان تأیید می نماید. به گفته سهرابی و حسنی (۲۱) تحصیلات والدين یکی از عواملی است که در برقراری ارتباط مؤثر با نوجوانان می تواند حائز اهمیت باشد. از سویی احتمالاً والدينی که تحصیلات پایینی دارند، درک کمتری از وظایف و مسؤلیت های خود دارند و کمتر می توانند فرزندان خود را به شیوه مطلوب هدایت و تربیت کنند. از سویی دیگر، تحصیلات کم والدين را می توان دال بر عدم آگاهی یا کمبود آگاهی در مورد انواع و علل گرایش به رفتارهای پرخطر در سنين نوجوانی دانست. این عدم آگاهی باعث می شود تا والدين در زمینه مداخله و تربیت مناسب برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر در فرزندان خود، ناتوان بمانند.

دیگر نتایج مطالعه نشان داد که میان بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی با طبقه اقتصادی-اجتماعی والدين رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی افزایش طبقه اقتصادی-اجتماعی تأثیری بر کاهش بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان ندارد که با مطالعات احمدآبادی (۲) و باریکانی (۱۵) نا همسو می باشد. که میتوان گفت دلیل متفاوت بودن نتایج مطالعه حاضر با نتایج این مطالعات، نمونه پژوهش حاضر و استفاده از ابزار متفاوت می باشد. در این مورد بوستانی می نویسد که اگر سرمایه

بر اساس نتایج جدول فوق، میان فراوانی بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد. که از روش آزمون آماری تی برای گروه های مستقل استفاده شد و میانگین بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنی داری داشت ($P < 0/05$)، همچنین نتایج مطالعه نشان داد که میانگین رفتارهای پرخطر (۳/۱۲) بوده، بیشترین نمره (۴/۶۰) و کمترین نمره (۱/۱۴) به دست آمده است. میانگین رفتارهای پرخطر پسران (۳/۳۴) بیش از دختران (۲/۶۸) است و میزان بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان پسر (۳/۳۴) به صورت معناداری بیش از دانش آموزان دختر (۲/۶۸) است.

بحث

شناسایی عواملی که خطرپذیری نوجوانان را تحت تأثیر قرار می دهند، یکی از راهکارهای بنیادین در امر پیشگیری از بروز رفتارهای پرخطر است. لذا این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری و عوامل جمعیت شناسی بر بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز انجام پذیرفت. بر اساس یافته های حاصل از پژوهش ارتباط معناداری میان بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز پایه پیش دانشگاهی با شیوه های فرزندپروری وجود داشت. بدین معنا که افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه با کاهش رفتارهای پرخطر در دانش آموزان همراه است ولی با افزایش سبک های فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه با افزایش رفتارهای پرخطر در دانش آموزان همراه است که نتایج مطالعه همسو با احمدآبادی (۲) و Aizer (۲۷) می باشد. شیوه تربیتی اقتدارگرا یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و حفاظت نوجوانان از رفتارهای پرخطر بوده است و شیوه تربیتی مسامحه کار که در آن کنترل و گرمای کافی ارائه نمی شود، با سطوح بالاتر خطر پذیری همبسته است (۲).

Jackson و همکاران (۲۸) کیفیت خوب فرزندپروری را با توسعه سطوح بالای عزت نفس، کنترل رفتاری و مقاومت در برابر فشار دوستان و در نهايت کاهش خطرپذیری در ارتباط می دانند و بیان می دارند که نوجوانان در محیط های خانوادگی مسامحه کار، در سازش با محیط دچار مشکل می شوند (۲۸). شکوهی یکتا و همکاران (۹) نیز در این زمینه بیان می دارند که، باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می شود. در صورتی که وجود اقتدار غیرمنطقی که براساس میل

نتیجه گیری نهایی

نتایج این مطالعه نشان از مؤثر بودن شیوه های فرزندپروری، تحصیلات والدین و جنسیت در بروز رفتارهای پرخطر است. والدین با به کارگیری شیوه های مطلوب و صحیح فرزندپروری می توانند فرزندی سالم را به جامعه تحویل دهند. از آنجایی که خانواده یک کانون فرهنگی - اجتماعی مهم به شمار می آید و نقش بسزایی در پیشگیری از مسائل آسیب زای افراد در آینده دارد، با آموزش شیوه های فرزندپروری صحیح با تأکید بر روش مقتدرانه به والدین می توان در کاهش رفتارهای پرخطر کمک کرد. عدم همکاری بعضی از والدین جهت تکمیل پرسشنامه مربوط به شیوه های فرزند پروری و همچنین عدم همکاری آموزش و پرورش در به کارگیری پایه های دیگر تحصیلی در پژوهش از محدودیت های مطالعه حاضر بود. همچنین به علت قوانین حاکم بر آموزش و پرورش و مدارس به پژوهشگر اجازه داده نشد که اسمی از هفت نوع رفتار پرخطر داخل "مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی" در مطالعه حاضر قید شود. پیشنهاد می گردد که در مطالعات بعدی علاوه بر عوامل ذکر شده، عوامل دیگری همچون ویژگیهای شخصیتی، ترتیب تولد فرزندان و ... درج شود. همچنین انجام پژوهش های بیشتر جهت تعیین تفاوت گرایش دختران و پسران نوجوان به انواع رفتارهای پرخطر در استان همدان و سایر استان ها پیشنهاد می گردد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر حاصل از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجو نسرین شکری و به راهنمایی آقای ایرج صفایی راد در رشته روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سال ۱۳۹۲ می باشد. از کلیه کارکنان آموزش و پرورش، والدین و دانش آموزان شهر همدان که کمال همکاری را در اجرای پژوهش داشتند، تشکر می شود.

انسانی و مالی خانواده، با سرمایه اجتماعی همراه نباشد، سرمایه انسانی تأثیر چندانی بر کاهش رفتارهای پرخطر نخواهد داشت (۲۹). در واقع می توان استنباط کرد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی نمی تواند متغیری کافی برای تبیین بروز رفتارهای پرخطر به خصوص در سنین نوجوانی باشد و نقش این متغیر باید در کنار سایر عوامل مانند فرزندپروری، جنسیت، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، محل سکونت، شغل والدین و ... قرار بگیرد و تأثیر ترکیبی و تعاملی آنها همزمان شود.

همچنین میان فراوانی بروز انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموزان دختر و پسر پایه پیش دانشگاهی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی بروز رفتارهای پرخطر در دانش آموزان پسر به مراتب بیشتر از دانش آموزان دختر بود. این امر می تواند دلیل بر وجود زمینه های مساعد برای گرایش به رفتارهای پرخطر، آزادی عمل بیشتر، محدود بودن نظارت ها و روابط اجتماعی وسیعتر به همراه حساسیت بالاتر به یکنواختی باشد که همسو با مطالعات Maziak (۳۰)، Oltedal & Rundmo (۳۱) و مهرابی و همکاران می باشد (۱۶). Maziak میزان گرایش نوجوانان به سیگار را، در پسرها ۱۷ درصد و در دخترها ۷ درصد نشان داده است (۳۰). یافته های Oltedal & Rundmo (۳۱) نشان داد که در کل، مردان بیش از زنان تمایل به خطر کردن دارند. مهرابی و همکاران (۱۶) به این نتیجه رسیدند که پسران رفتارهای پرخطر بیشتری را مرتکب می شوند. از دیگر دلایل می توان به مسائل اجتماعی اشاره کرد. بطوری که جامعه گرایش و عمل نوجوانان پسر برای رفتارهای پرخطر مانند رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل و رابطه و رفتار جنسی را کمتر مورد محدودیت قرار داده است.

References

- 1-Furstenberg FF. The sociology of adolescence and youth in the 1990 S: A critical commentary. Journal of Marriage and the Family.2000; 62(4):896-910.
- 2- Ahmadabadi Z. [Investigating the risky behaviors among adolescents and suggestions for preventing crime in the family]. The Quarterly of Family Research.2009; 5(4):467-485(Persian).
- 3- CarrGregg M R C, Grover S R. Risk taking behavior of young women in Australia, screening for health risk behaviors. Medical Journal of Australia.2003; 178(17):601-604.

- 4- Sher L, Zalsman G. Alcohol and adolescent suicide. *International Journal of Adolescent Medicine and Health*.2005; 17(3) 197-203.
- 5- Hessler D, Katz LF. Brief report: Associations between emotional competence and adolescent risky behavior. *Journal of Adolescence*.2010; 33(1):241- 246.
- 6: Bergman MM, Scott J. Young adolescents' well- being and health- risk behaviors: gender and socioeconomic differences. *Journal of Adolescence*.2001; 24(2):183-197.
- 7- Zarea M, Ramazankhani A, Alikhani S, Bahonar A, Rahbani SH. [Investing smoking and it's relation to the general understanding of junior and high school students of their own healthy in Pakdasht and Damavad]. *Journal of Medical Sciences of Islamic Azad University*.2009; 19(2):111-114 (Persian).
- 8- Ziaadini H, Zarezadeh A, Heshmati F. [The prevalence rate of substance abuse and addiction and some relevant factors among junior and senior high school students in Kerman city (2000-2001)].*Journal of Kerman University of Medical Sciences*.2006; 13(2):84-94(Persian).
- 9- ShokohiYakta M, Parand A, Faghihi AN. [A comparative study of child-training styles]. *Journal of Islamic Iraining*.2006; 3(2):115-140 (Persian).
- 10- Azevedo A, Machado AP, Barros H. Tobacco smoking among Portuguese high- school students. *Bull World Health Organ*.1999; 77 (6): 509-514.
- 11- Navaabakhsh M, Fathi S. Methods of child training and social adaptation. *Journal of Religious Research*.2011 ;(22):33-64 (Persian).
- 12- Lee A, Tsang CK. Youth risk behavior in a Chinese population: A territory-wide youth risk behavioral surveillance in Hong Kong. *Public Health*.2004; 118(2): 88-95.
- 13-Steinberg L. The family at adolescence: Tradition and transformation. *Journal of Adolescent Health*.2000; 27(3):170-178.
- 14- Rahmani F, Seyedfatemi N, Baradaranrezayi M, Sedaghat K, Fathiazar A.[The relationship between the parents disciplinary methods behavioral problems level]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*.2006; 14(4):365-370 (Persian).
- 15- Barikani A. [The risky behavior of adolescents in junior and high schools in Tehran]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*.2008; 14(2):192-198 (Persian).
- 16- Mehrabi H, Kajbaf MB, Mojahed A. Predicating risky behaviors of the students in Esfahan University based on emotion willingness and anthropological factors. *Psychological Study*.2010; 6(2):141-166 (Persian).
- 17- Whitbeck L B, Kevin A, Yoder D R, Hoyt B, Rand D C. Early adolescent sexual activity: a developmental study. *Journal of Marriage and the Family*.1999; 61 (7): 937-976.
- 18- Raffaelli M, Ontai LL. She is 16 years old and there's boys calling over to the house: An exploratory study of sexual Socialization in Latino families. *Culture, Health and Sexuality*.2001; 3 (3): 295- 310.
- 19- Kerjcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational Psychological Measurement*.1970; 30(3):607-610.

- 20-Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*.1991; 11(1):56-95.
- 21- Sohrabi F, Hassani A. [Parents' child training methods and anti-social behaviors of adolescent girls]. *Journal of Psycholog*.2007; 11(1):77-87 (Persian).
- 22- Zaharakar K. [Investigating the relationship between parents' child training methods and mental health of adolescents in Islamshahr, Iran].*The Quarterly of New Thoughts in Educational Sciences*.2008; 3(2):77-91 (Persian).
- 23- Zadehmohammadi A, Ahmadabadi Z, Panaaghi L, Heidari M. Construction and norm seeking of the seal of the young's risk-taking. *Journal of Psychology*.2011; 15(2):130_146. (Persian).
- 24- Gullone E, Moore S, Moos S, Boyd C. The adolescent risk-taking question. *Journal of Adolescent Research*.2000; 15(2):231-250.
- 25-Brenner ND, Kahn L, Kinchen SA, Grunbaum JA, Whalen L, Eaton D, Hawkins J, Roos JG. Methodology of the youth risk behavior surveillance system. *Morbidity and Mortality Weekly Report*.2004; 53(12):1-13.
- 26- Zadehmohammadi A, Ahmadabadi Z, Heidari M. [Construction and assessment of psychometric features of Iranian adolescents' risk-taking scale]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2011; 17(3):218-225 (Persian).
- 27- Aizer A. Home Alone: supervision after school and child behavior. *Journal of Public Economics*.2004; 88(9):1835-1845.
- 28- Jackson C, Henriksen L, Foshee V. The authoritative parenting index: Predicting health risk behaviors among children and adolescents. *Journal of Health Education and Behavior*.1998; 25(3): 319-337.
- 29- Boostani D. [Social investment and risky behaviors; Case: The high school students in Kerman, Iran]. *Journal of Social Sciences of Faculty of Humanities' Ferdowsi University*.2012; 9(1):1-31 (Persian).
- 30-Maziak W. Smoking in Syria: Profile of a developing Arab country. *International Journal of Tuberculosis and Lung Disease*.2002; 6(3):183-191.
- 31- Oltedal S, Rundmo T. The effects of personality and gender on risky driving behavior and accident involvement. *Safety Science*.2006; 44(7): 621-628.

Correlation between risky behaviors in the pre-university adolescent students in Hamadan with Parents' child raising method

Shokri N¹, Yusefi M², Safaye Rad I³, Akbari T⁴, Musavi SM⁵, *Nazari H⁶

1- MSc, Department of Clinical Psychology, Faculty Human Science, Islamic Azad University of Hamedan, Hamedan, Iran.

2- MSc, Department of Clinical Psychology, Faculty Human Science, Islamic Azad University of Hamedan, Hamedan, Iran.

3- MSc, Department of Clinical Psychology and Faculty member, Faculty Human Science, Islamic Azad University of Hamedan, Hamedan, Iran.

4- MSc, Department of Educational Science, Applied Sciences University of Hamedan, Hamedan, Iran.

5- MSc, Department of Clinical Psychology, Faculty Human Science, Islamic Azad University of Hamedan, Hamedan, Iran

6- Student of Occupational Therapy, Student Research Committee, Faculty Rehabilitation Science, Hamadan University of Medical Science & Health Services, Hamedan, Iran (**Corresponding author**)

Email: hemn.nazari@outlook.com

Abstract

Introduction: Today, the emergence of high-risk behaviors, influenced by sociological factors and parenting approaches, among youth has turned into one of the most important issues in the society. The aim of this study was to determine correlation between risky behaviors in the pre-university adolescent students in Hamadan with Parents' child raising method.

Material & Methods: This is a descriptive study which was conducted in pre-university school students in 2012-2013. A sample of 220 students (120 boys and 100 girls) was chosen via the random multi-stage cluster sampling method. For data collection, "Baumrind's Parenting Style Scale" and "Iranian Adolescents Risk-Taking Scale" were used. Validity of the scales were confirmed by 8 psychologists and psychotherapists experts. Reliability of the scales were measured by Cronbach's alpha and test-retest methods. Data was analyzed by SPSS/21.

Findings: Findings showed a significant and negative correlation between students' high-risk behavior, authoritative parenting, and the parents' educational level ($P < 0.001$, $r = -0.42$ & $P < 0.001$, $r = -0.48$). There was also a significant difference between male and female students in the frequency of the emerging high-risk behaviors ($P < 0.05$). The high-risk behaviors among male students (3.34) is significant more than female students (2.68). However, there was no significant difference between economical-social classes and students' high-risk behaviors.

Conclusion: Parenting approaches, parent's educational levels, and gender types are influential factors in the occurrence of high-risk behavior. Therefore, providing the adequate training for parents, to obtain right a parenting approach, is recommended.

Keywords: High-risk behaviors, Parenting styles, Students of preparatory

Received: 29 April 2015

Accepted: 30 October 2015